گزارش

رئیس سازمان ملی بهره‌وری خبر داد

آمار بهره‌وری دستگاه‌های دولتی به زودی اعلام می‌شود

● **شرق:** رئیس سازمان بهره‌وری ایران از اعلام برآورد اولیه‌ای از وضعیت بهره‌وری در دستگاه‌های دولتی تا اواخر اردیبهشت ماه سال آینده خبر داد.

فاطمه پهلوانی در نشستی خبری که در محل سازمان ملی بهره‌وری برگزار شد، با بیان اینکه استقرار چرخه بهره‌وری در دستگاه‌ها بسیار ضروری است، اعلام کرد: این مجموعه تلاش می‌کند برآوردهای اولیه از وضعیت بهره‌وری دستگاه‌های اجرائی را تا اردیبهشت ماه سال ۹۸ ارائه کند.

او افزود: این کار بسیار پیچیده است و فرایند علمی سختی را به همراه دارد. تلاش می‌کنیم در انتهای سال آینده نیز برآورد نهایی بهره‌وری دستگاه‌های دولتی را اعلام کنیم و پس از آن، به صورت سالانه این آمارها به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد.

رئیس سازمان ملی بهره‌وری با مروری بر آمارهای بهره‌وری عنوان کرد: رشد شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در سال ۱۳۹۵، حدود ۱۰.۹ و در اقتصاد ملی نفت ۱.۹ درصد بوده است. در عین حال که بهره‌وری کل اقتصاد در سال ۱۳۹۶ با توجه به کاهش فروش نفت تا ۱.۳ درصد کاهش داشته است.

او درباره بهره‌وری نیروی انسانی در واحدهای تولیدی گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان تحصیلات افراد در مشاغل مختلف رو به افزایش است اما افزایش سطح تحصیلات منجر به ایجاد بهره‌وری بیشتر نشده است. این مسئله به دلیل ظرفیت جذب نامناسب یا عدم ارتباط مدارک تحصیلی با محل اشتغال افراد بوده است.

پهلوانی با اشاره به وضعیت بهره‌وری در نیروی کار گفت: برخی اعلام می‌کنند که بهره‌وری نیروی کار مثلا ۲۵ دقیقه است. در حالی که این تعریف درستی نیست و بهره‌وری را شامل نمی‌شود، بلکه راندمان نیروی کار است.

به گفته او، طبق آمارهای سال ۱۳۹۵ بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد، سالانه به ازای هر نفر ۶۴ میلیون تومان بوده است. به عبارتی در بین جمعیت حدود ۲۳میلیون‌نفری شاغل، بهره‌وری نسبت به تولید ناخالص داخلی این مقدار است که البته بیشترین آن مربوط به بخش نفت و گاز با حدود ۱۹۴۱ میلیون تومان و کمترین مربوط به بخش ساختمان با حدود ۲۱ میلیون تومان به ازای هر شاغل است. لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۹۵ با توجه به افزایش صادرات نفت، بهره‌وری در این بخش افزایش داشته و از سوی دیگر با رکودی که در بخش ساختمان ایجاد شد، بهره‌وری نیروی کار در آن کاهش پیدا کرد.

رئیس سازمان ملی بهره‌وری درباره بهره‌وری انرژی و نقش خودروها و شرکت‌های خودروسازی داخلی نیز توضیحاتی ارائه داد. او گفت: سال‌هاست که با مشکل بهره‌وری انرژی مواجه هستیم و حتی در این رابطه پژوهشگاهی به‌طور جداگانه ایجاد شد تا این موضوع را بررسی کند. با وجود اینکه در مقطعی تصور می‌شد مشکل بهره‌وری انرژی و مسائل پیرامون آن به بنزین بر می‌گردد، بنزین‌هایی با کیفیت یورو ۴ و ۵ را به عنوان راهکار ارائه کردند اما باید توجه داشت که کیفیت خودروها و موتورهای آنها نیز جزئی از این مسئله بود. به‌طوری که ما مشکلاتی را در روش‌های تولید و سیستم‌های آن داریم.

به گفته او با توجه به وجود یک پژوهشگاه تخصصی در زمینه انرژی، سازمان ملی بهره‌وری به‌طور مشخص در موضوع انرژی ورود نکرده اما شاخص‌های مربوطه را به بخش صنعت که در واقع انرژی جزئی از آن است، اعلام و اجرای آن را پیگیری کرده است. به دنبال آن هستیم که بتوانیم اطلاعات کافی را از جزء به جزء زیرشاخه‌های صنعت دریافت و با ایجاد کارگروه‌های کارشناسی موضوع مربوطه را حل‌وفصل کنیم.

پهلوانی همچنین به برخی مشکلات و محدودیت‌های سازمان ملی بهره‌وری اشاره کرد و گفت: در کنار اینکه ما تناسبی بین وظایف و اختیاراتی که سازمان ملی بهره‌وری دارد، نمی‌بینیم، با مشکل بودجه نیز مواجه هستیم. این سازمان با وجود عمر کوتاهی که دارد، درگیر مسائل مربوط به تغییر ساختار بوده و نهاد حاکمیتی ناظر بر این سازمان، چندین بار تغییر کرده است.

او ادامه داد: چگونه سازمانی که بودجه آن ۶۵ صدهزارم بودجه کل کشور است، باید متضمن ۳۵ درصد رشد اقتصادی کشور باشد؟

رئیس سازمان ملی بهره‌وری همچنین از تشکیل شبکه ملی بهره‌وری ایران با حضور افراد و ذی‌نفعان مختلف خبر داد.

او همچنین به اجرای طرح مروجان بهره‌وری یا سفیران بهره‌وری اشاره کرد و افزود: آموزش‌های مربوط به بهره‌وری باید از مدارس آغاز شود. برای دستیابی به این هدف، از دانشجویان داوطلب رشته‌های مدیریت و مهندسی صنایع برای دریافت آموزش‌های الکترونیک استفاده خواهیم کرد. این نیروهای آموزش‌دیده به مدارس اعزام می‌شوند تا با انجام بازی‌های بهره‌وری این مفاهیم را به دانش‌آموزان آموزش دهند.

عکس: محمود صادقی، جام‌جم

حسین راغفر و احسان سلطانی از بورژوازی کُمپرادُر نوین در ایران می‌گویند

تمکین به گروه‌های رانتی

حسین راغفر و احسان سلطانی در یازدهمین گزارش خود خطاب به مردم، شرایط و وضعیت اقتصادی ایران را تشریح کردند. به گفته این کارشناسان اقتصادی، در سال جاری، دستیاران و نحله نئولیبرال اقتصادی، دولت را قانع کردند که در بازار آزاد ارز مداخله نکند و در همین حال حتی بنگاه‌های شبه‌دولتی نیز از عرضه ارز در بازار امتناع کردند. بنابراین احتکار و کمبود و اختلال عرضه هم‌زمان با مهندسی افکار عمومی در جهت تحریک افزایش نرخ ارز، خود عوامل اصلی افزایش قیمت ارز هستند و در سوی دیگر همین نحله‌ها مانع از اعمال محدودیت‌های وارداتی برای حفظ ذخایر ارزی (کنترل تقاضا) شدند. در شرایطی که اختلال و کمبود تصنعی-دستوری عرضه موجب رشد قیمت ارز می‌شود، قطعا نبود محدودیت روی تقاضای مصرف (واردات) منجر به تشدید روند افزایش قیمت آن می‌شود. در همین حال سفته‌بازان نیز به کمک عامل کمبود عرضه آمده و روند رشد قیمت‌ها را تسریع می‌کنند. عدم دخالت دولت و آزادگذاشتن دست رانت‌جویان و فرصت‌طلبان، کار را به جایی می‌رساند که کنترل آن دیگر ممکن نباشد، چنانچه سعدی علیه‌الرحمه در باب سیرت پادشاهان در گلستان می‌فرماید: «سر چشمه شاید گرفتن به بیل، چو پر شد نشاید گذشتن به پیل». در ادامه متن کامل گزارش حسین راغفر و احسان سلطانی را می‌خوانید.

مشخصه مهم اقتصاد دوره قاجاریه صادرات مواد خام کشاورزی، دامی و معدنی و واردات کالاهای مصرفی و از سوی دیگر اضمحلال تولید داخل، سقوط اقتصاد و سطح معیشت مردم و وابستگی اقتصادی ایران به خارجی‌ها بود. در سال ۱۲۸۱ شمسی دارسی امتیاز اکتشاف، بهره‌برداری و فروش منابع نفت ایران (به‌جز شمال کشور) را برای مدت ۶۰ سال به دست آورد. استخراج معادن زغال‌سنگ و نفت و امتیازهای بهره‌برداری از جنگل‌ها و شیلات نیز به خارجیان دیگر و به‌ویژه روس‌ها واگذار شد. صادرات مواد اولیه نساجی پنبه و ابریشم و در مقابل واردات منسوجات، صنایع نساجی کشور را به زوال کشانید. معدود واحدهای صنعتی آن زمان هم اغلب در امر آماده‌سازی مواد اولیه برای صادرات فعالیت داشتند، به صورتی که کارخانه ابریشم حاج امین‌الضرب بزرگ‌ترین واحد صنعتی اواخر دوره قاجار، به همراه کارگاه‌های پنبه‌پاک‌کنی بیش از نیمی از اشتغال واحدهای صنعتی را شامل می‌شدند.

ماهیت اقتصاد ایران در شرایط نیمه‌استعماری دوره قاجار خصوصیات زیر را داشت: (۱) افزایش تولید و صادرات مواد خام و اولیه، (۲) رونق واردات کالاهای مصرفی و به‌ویژه منسوجات، (۳) تنزل مستمر ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، (۴) رشد پایین اقتصادی و عقب‌ماندگی، (۵) کاهش درآمد سرانه و افزایش فقر و نابرابری، (۶) سطح پایین حقوق و دستمزدها و مهاجرت نیروی کار، (۷) نابودی صنایع و بخش‌های مولد و گسترش بخش‌های نامولد، (۸) اعمال سیاست‌های نادرست اقتصادی، مالی و گمرکی توسط حکومت (به‌ویژه پشتیبان واردات)، (۹) وابستگی تجار داخلی به سرمایه‌داری غربی و (۱۰) عدم توفیق سرمایه‌داران ایرانی در زمینه ایجاد صنایع جدید. احمد اشرف، بورژوازی تجاری داخلی را با فعالیت در جهت رشد صادرات مواد خام و اولیه و واردات کالاهای مصرفی، در خدمت سرمایه‌داری خارجی می‌داند، به صورتی که می‌نویسد: «این وضع را برخی از ناظران ایرانی به دلالی و مزدوری فرنگی‌ها تعبیر کرده‌اند که درواقع همان مفهوم بورژوازی کمپرادر است». زین‌العابدین مراغه‌ای می‌گوید: «اینان که به نام تاجر یاد می‌کنید، تاجر نیستند، مزدوران فرنگانند و بلکه دشمنان وطن خودشان هستند» و حاج سیاح از تجارت آن زمان به‌عنوان «دلالی خارجه و نه ترویج متاع وطن» یاد می‌کند.

در سال‌های ۱۳۰۸ شمسی و پس از آن که مقارن با رکود گسترده اقتصادی در سطح جهان بود، اقتصاد ایران با بحران سقوط ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز روبه‌رو شد. مجلس شورای ملی با تصویب قانون نظارت بر بروات در ۱۷ اسفند ۱۳۰۸ تلاش می‌کند که با بحران مقابله کند و با تصویب قانونی دیگر در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸، وزارت اقتصاد در سال ۱۳۰۹ شروع به کار می‌کند. با تشدید بحران، نرخ تورم افزایش پیدا می‌کند و تجار صادرکننده با نگهداری ارز حاصل از صادرات در بانک‌های خارجی و عدم عرضه آن به سیستم بانکی کشور یا فروش آن به قیمت گران، موجب شدند که بحران ارزی شدت پیدا کند. در نتیجه شدت و نفوذ روزافزون بحران اقتصادی، دولت برای دفاع از منافع ملی و مقابله با پیدایش فقر اقتصادی اقدام به ارائه قانون دوفوریتی انحصار تجارت خارجی در تاریخ ۶ اسفند ۱۳۰۹ به مجلس کرد که پس از تصویب تا سال ۱۳۱۱ روی آن اصلاحات انجام شد. اهداف اصلی وضع قانون انحصار تجارت، دفاع از تجارت خارجی و تعادل صادرات و واردات، تثبیت ارزش پول ملی و همچنین حمایت از صنایع ملی، کنترل واردات و تشویق صادرات بود. اکنون، در دهه دوم هزاره سوم میلادی و پس از گذشت بیش از یک قرن از دوران سقوط اقتصادی ایران در زمان قاجار، شرایط اقتصاد ایران به صورتی جهت‌گیری و تنظیم شده که از صادرات مواد خام و اولیه با اعطای بسته متنوعی از رانت‌ها و مشوق‌ها حمایت و پشتیبانی می‌شود. کشورهای واردکننده مواد خام و اولیه از ایران و در صدر آنها چین، هند و ترکیه، صادرکننده کالاهای مصرفی به ایران هستند و افزایش صادرات مواد خام و اولیه، در نتیجه با افزایش واردات کالاهای مصرفی از این کشورها همراه خواهد بود. به عبارتی پس از گذشت بیش از یک قرن، کماکان ایران صادرکننده مواد خام و اولیه و در مقابل واردکننده کالاهای مصرفی است و استعمار غربی جای خود را به استعمار شرقی داده است. این روند توسط بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی (به‌خصوص واحدهای پتروشیمی، فولادی و معدنی) حمایت می‌شود. بورژوازی کمپرادر نوین ایران با صادرات هر گونه مواد خام و اولیه کم‌ارزش و با ارزش‌افزوده پایین، ارز لازم برای واردات کالاهای مصرفی را فراهم می‌کند که استمرار همان راه اسلاف آنها، اما با شدت و حدت و وسعت به مراتب بیشتر است.

هم‌اکنون در شرایط بحران و جنگ اقتصادی، گروهی فرصت‌طلب و رانت‌جو در لباس کارشناس یا صادرکننده، با بی‌ثبات‌سازی و اخلال در نظام اقتصادی کشور درصدد بهره‌برداری از این شرایط به زیان مصالح کشور و منافع مردم هستند. در راستای تبیین کژکارکردی‌های بخش صادراتی و تأثیر آن بر اقتصاد و زندگی مردم، موضوعات حائز اهمیت زیر مطرح می‌شود.

(۱) در سال جاری، دستیاران و نحله نئولیبرال اقتصادی، دولت را قانع کردند که در بازار آزاد ارز مداخله نکند و در همین حال حتی بنگاه‌های شبه‌دولتی نیز از عرضه ارز در بازار امتناع کردند. بنابراین احتکار و کمبود و اختلال عرضه هم‌زمان با مهندسی افکار عمومی در جهت تحریک افزایش نرخ ارز، خود عوامل اصلی افزایش قیمت ارز هستند و در سوی دیگر همین نحله‌ها مانع از اعمال محدودیت‌های وارداتی برای حفظ ذخائر ارزی (کنترل تقاضا) شد. در شرایطی که اختلال و کمبود تصنعی-دستوری عرضه موجب رشد قیمت ارز می‌شود، قطعا نبود محدودیت روی تقاضای مصرف (واردات) منجر به تشدید روند افزایش قیمت آن می‌شود. در همین حال سفته‌بازان نیز به کمک عامل کمبود عرضه آمده و روند رشد قیمت‌ها را تسریع می‌کنند. عدم دخالت دولت و آزادگذاشتن دست رانت‌جویان و فرصت‌طلبان، کار را به جایی می‌رساند که کنترل آن دیگر ممکن نباشد، چنانچه سعدی علیه‌الرحمه در باب سیرت پادشاهان در گلستان می‌فرماید «سر چشمه شاید گرفتن به بیل، چو پر شد نشاید گذشتن به پیل».

(۲) در ابتدا مدافعان افزایش نرخ ارز و به اصطلاح صادرکنندگان با افزایش متناسب با نرخ تورم (قیمت دلار حدود پنج، شش هزار تومان) راضی بودند. در مرحله دوم چون نرخ ارز کنترل نشد، ادعا می‌شد که بازار ثانویه ارز حلال همه مشکلات است و موجب خواهد شد که نرخ آزاد ارز کنترل شده و (به سطح دلار کمتر از شش هزار تومان) پایین بیاید. با وجود ایجاد بازار ثانویه، در عمل نرخ ارز همچنان به رشد خود ادامه داد. در مرحله سوم لابی صادرکنندگان مواد و محصولات معدنی و فلزات و پتروشیمی شروع به فعالیت کرد و مدعای آنها این بود که اگر اینها ارز خود را در بازار ثانویه عرضه کنند، بازار رقابتی شده و قیمت‌های تصنعی بالا از بین می‌رود. در نهایت قیمت ارز در بازار ثانویه به بیش از دو برابر سال قبل رسید و آنچه صادرکنندگان مواد خام می‌خواستند انجام شد، اما نه قیمت ارز کنترل شد و نه بخش اعظم ارز حاصل از صادرات به بازاری که خود آن را درخواست کرده بودند، برگشت داده شد و همچنان صادرکنندگان و لابی‌های آنها درخواست افزایش نرخ ارز و آزادی عمل هر چه بیشتر را دارند.

(۳) در نتیجه سه مرحله تمکین دولت به گروه‌های رانتی و فرصت‌طلب (تحت عنوان صادرکننده یا کارشناس اقتصادی)، نرخ ارز در بازار آزاد در مدت کوتاهی سه‌برابر شد که در تاریخ کشور این میزان از سقوط ارزش پول ملی در مدت کوتاهی بی‌سابقه است. از زمان تشکیل بازار ثانویه ارز (که با تلاش و اصرار صادرکنندگان و لابی‌های آنها شکل گرفت)، دولت بارها و بارها تأکید کرده و از صادرکنندگان خواسته که ارز حاصل از صادرات را به بازار ثانویه ارز برگردانند، اما آنها امتناع کرده‌اند. در ۱۰ماهه اول سال جاری میزان بازگشت ارز حاصل از صادرات به بازار ثانویه ارز (سامانه نیما) کمتر از هشت میلیارد یورو است که معادل حدود ۹.۳ میلیارد دلار می‌شود. با توجه به ارزش صادرات غیرنفتی حدود ۳۱ میلیارد یورو (۳۶ میلیارد دلار) روشن است فقط ۲۵.۶ درصد ارز حاصل از صادرات در بازار ثانویه ارز عرضه شده است.

(۴) در مرحله چهارم از روند فرصت‌طلبی و رانت‌جویی هم‌اکنون اظهار می‌شود که چون فروش ارز در بازار ثانویه ارز مقرون‌به‌صرفه نیست، بنابراین صادرکنندگان از فروش ارز در بازار ثانویه امتناع می‌کنند و آنها باید مجاز به فروش ارز در بازار آزاد باشند. ادعای جدید در جهت افزایش نرخ ارز این است که صادرکنندگانی که در بازار آزاد کالای خود را تهیه می‌کنند، نمی‌توانند ارز خود را در بازار ثانویه ارز به فروش برسانند. در این رابطه چند نکته مهم قابل طرح است؛ اول اینکه بخش قابل توجهی از آنچه در حال حاضر به عنوان صادرات شکل گرفته، در اصل کسب منافع از مابه‌التفاوت قیمت‌های داخلی و خارجی (آربیتراژ ارزی) است و از مسیر افزایش مستمر نرخ ارز انجام می‌شود.

دوم اینکه افزایش تحمیلی نرخ ارز منجر به افزایش قیمت کالاها در بازار داخل شده است و مردم باید تاوان فساد در بخش صادرات را بدهند. سوم اینکه بیش از ۸۰ درصد صادرات غیرنفتی کشور شامل مواد خام و اولیه معدنی، نفت و گاز و صنعتی است که افزایش قیمت تمام‌شده آنها به مراتب کمتر از رشد قیمت‌های داخلی و صادراتی است. حتی صادرات کشاورزی و دامی نیز از نیروی انسانی و آب و انرژی و نهاده‌های ارزان‌قیمت بهره می‌گیرد. چهارم اینکه با افزایش نرخ ارز صادراتی به تبع آن قیمت‌های داخلی نیز بالا خواهد رفت و مارپیچ «افزایش قیمت‌ها>افزایش قیمت ارز>افزایش قیمت‌ها» پایانی نخواهد داشت. پنجم اینکه جهت مبارزه با اخلال در نظام اقتصادی کشور و تسهیل فعالیت بخش اعظم صادرکنندگان، باید جلوی فرصت‌طلبی دلالان صادرکننده که می‌خواهند از مابه‌التفاوت قیمت‌ها در دو سوی مرزها سود ببرند، گرفته شود.

(۵) صادرکنندگان در جهت کاهش نرخ اقلام صادراتی به دولت فشار می‌آورند، چنانچه تاکنون بهای صادراتی صدها قلم کالایی اصلاح شده است. همین صادرکنندگان در گذشته برای برخورداری از حمایت‌های سیاسی و مزایا و مشوق‌های رسمی و غیررسمی (مانند معافیت‌های مالیاتی یا اخذ تسهیلات ارزان‌قیمت) اقدام به زیاده‌گویی صادراتی می‌کردند، اما موضوع فقط این نیست، هم‌اکنون از یک سو صادرکنندگان درصدد فروش بخش بیشتری از ارز صادراتی به نرخ‌های بالا در بازار آزاد هستند و از سوی دیگر نظر به قیمت بالای غیرواقعی نرخ ارز، قیمت‌شکنی صادراتی انجام می‌شود. این نوع رقابت منفی و رشد صادراتی غیراقتصادی فقط در نتیجه قیمت‌های غیرواقعی نرخ ارز می‌تواند ایجاد شود. با این شرایط مجازدانستن صادرکنندگان به فروش ارز حاصل از صادرات در بازار آزاد منجر به حراج کالاهای مصرفی و مایحتاج مردم در بازارهای کشورهای همسایه و ایجاد شوک‌های تورمی و بروز کمبود خواهد شد.

(۶) در اقتصاد ایران مزیت‌های رانتی غالب و مزیت‌های رقابتی غایب هستند. بخش‌های مالی و نامولد بر بخش تولید (حقیقی) اقتصاد تسلط یافته‌اند. ایران تقریبا در کلیه بیش از صد مؤلفه رقابت‌پذیری جهانی، دارای رتبه‌های بسیار پایین است و ساختارها و نهادهای پشتیبان صادرات وجود یا حضور لازم و کافی ندارند. در ۱۰ سال اخیر روند سرمایه‌گذاری صنعتی و کشاورزی کشور و به ویژه در زمینه تولید کالاهای مصرفی و با ارزش‌افزوده بالا نزولی بوده است. در این شرایط چنانچه در سه دهه اخیر بارها تجربه شده، به هیچ عنوان تک‌اهرم افزایش نرخ ارز عامل حمایت از تولید ملی و صادرات نیست. در هیچ اقتصادی، استفاده از اهرم نرخ ارز به صورت شوک‌های مخرب ارزی نبوده و در حد مدیریت نرخ ارز با تغییرات ملایم همراه است. در کشورهایی که صادرات آنها مبتنی بر کالاهای کاربر است، افزایش مدیریت شده و ملایم نرخ ارز (آن هم با شرط وجود ساختارها و نهادهای لازم) تا حدی می‌تواند به صادرات کمک کند. ۹۰ درصد صادرات ایران را کالاهای رانت‌محور (فروش منابع خام و اولیه) تشکیل می‌دهد و حتی صادرات تولیدات کشاورزی و دامی هم به واسطه رانت انرژی، آب و نهاده‌های ارزان‌قیمت ممکن شده است. بنابراین در شرایطی که هیچ یک از ساختارها و نهادهای مشوق صادرات کالاها یا خدمات کارمحور یا نوآوری‌محور در اقتصاد شکل نگرفته و مزیت‌های رانتی بر مزیت‌های رقابتی غالب است، افزایش نرخ ارز فقط منجر به صادرات هرچه بیشتر منابع و ثروت‌های ملی می‌شود.

(۷) صادراتی که بر مبنای مابه‌التفاوت قیمت‌ها شکل می‌گیرد، نه تنها هیچ‌گونه کمکی به تقویت توان صادراتی و اقتصادی کشور نمی‌کند که موجبات اختلال در اقتصاد کشور، تخریب بازارهای صادراتی و بروز شوک‌های قیمتی و کمبود ارزاق عمومی را فراهم می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۳

خبر

عرضه ارز به‌زودی افزایش می‌یابد

● همتی با اشاره به فعالیت عده‌ای برای ایجاد تلاطم در بازار ارز نوشت: این عوامل، اطمینان دارند با صدور مجوز اخیر بانک مرکزی به برخی صادرکنندگان برای عرضه ارز خود در صرافی‌ها در یک ماه باقی‌مانده سال، تعادل بازار به نفع عرضه به‌هم خواهد خورد. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: در روزهای اخیر، به مدد اظهارات و انذار برخی افراد درخصوص احتمال رد لایحه پالرمو و یا سررسیدشدن سپرده‌های ۲۰ درصدی، یا وضعیت بودجه ۹۸ و جو منفی ناشی از تلاش برای ارائه برخی طرح‌ها و اقدامات غیرمتعارف، عواملی که علاقه‌مند برهم‌زدن بازار ارز و ایجاد نوسان در آن هستند، تلاش کرده‌اند بر موج افزایشی سوار شده و نوساناتی، هرچند اندک، در بازار ایجاد کنند. این عوامل، اطمینان دارند که با صدور مجوز اخیر بانک مرکزی به برخی صادرکنندگان برای عرضه ارز خود در صرافی‌ها در یک ماهه باقی‌مانده سال، تعادل بازار به نفع عرضه به‌هم خواهد خورد و لذا، اقدام به پیشگیری کرده و جو تبلیغاتی لازم را برای خنثی‌کردن آن به‌وجود آوردند. بانک مرکزی برای جلوگیری از بی‌ثباتی در بازار حضور دارد و در صورت ضرورت اقدامات لازم را انجام خواهد داد.

نقدینگی بانک‌ها صرف ساخت مال‌ها و برج‌های عاج می‌شود

● رئیس مجمع کارآفرینان ایران از رشد نقدینگی کشور نسبت به ۱۰ سال گذشته خبر داد و گفت: با وجود آنکه بسیاری از کشورها رشد نقدینگی را تجربه کردند، اما به دلیل آنکه نقدینگی‌هایشان را در بخش‌های مولد و اشتغال هزینه کردند هیچ‌گاه با تورم فزاینده و افسارگسیخته مواجه نشدند. به گزارش ایسنا، محمدرضا دیانی گفت: اقتصاد مقاومتی به فرموده مقام معظم رهبری یعنی کارآفرینی و ما باید به جریان کارآفرینی بها دهیم و در عرصه عمل کارآفرینی را عملیاتی کنیم، چراکه اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی درمان بسیاری از دردها و مشکلات امروز اقتصاد است. وی با طرح این پرسش که برای کم‌کردن اثرات تحریم چه اقداماتی در جهت ایجاد روابط بین‌المللی صورت داده‌ایم؟ گفت: می‌توانیم از روابطی که امروز تأثیرگذار است و می‌تواند بخشی از تحریم‌ها را التیام دهد، استفاده کنیم.

لحظه تحویل سال

AZADEH آزاده

سررسید هوشمند

021 - 88 80 39 24-6

کانال تلگرام: @azadehco

اینستگرام: azadehco

وب سایت: www.azadehco.ir